

پیشگاه علیاحضرت شهبانو فرج پهلوی

نادیده گرفته شدن قانون اساسی مشروطیت

با افتخار و احترام،

بعرض علیاحضرت میرساند:

بمناسبت احساس تکلیف، در موقعیتی قرار گرفته ام که هرکجا ادعای نادیده گرفتن قانون اساسی مشروطیت از سوی شاهنشاه ایران مطرح شده است خواستار اثبات ادعای مدعی شده ام و بنا بر اسناد موجود تقاضا شده که نمونه هائی از این دست تجاوزات به قانون اساسی مشروطه را که در اتهام شاهنشاه ایران قرار داده اند اعلام کنند تا با تخصیص بحث حقوقی از ابهامات و تصورات که غالباً نقلی است نه مستند رفع اثر گردد.

این درخواست حتی از اعلیحضرت هم بعمل آمد که متأسفانه طبق سیاق دفترایشان پاسخ و یا نمونه ای از ادعای تجاوز به قانون اساسی از سوی شاهنشاه ایران داده نشد.

اکنون نظربه اینکه علیاحضرت در مصاحبه ای در مقابل سوال اینکه «آیا اساساً این انتقاد وارد است که شاه در آن زمان قانون اساسی رانقض میکرد به قانون اساسی و دست‌آورد مشروطیت توجهی نمیکرد و به نوعی حکومت خودکامه تشکیل داده بود؟»

ابتدا میفرمایند: «فکر نمیکنم در موقعیتی باشم که بخواهم برگردم به ۵۰ سال قبل ولی بطور خلاصه پادشاه تا قبل از ۲۸ مرداد واقعا طبق قانون اساسی پادشاهی میکرد ولی به دلیل اتفاقاتی که افتاد شاید قدرت را بیشتر در دست خودشان گرفتند و شاید مملکت در شرانطی بود که گاهی مجبور میشدند این کار را بکنند؛ گفتم الان نمیخواهم وارد موضوع بشوم چون بحثی طولانی است»

بعرض علیاحضرت میرساند؛ که شهادتشان نسبت به سوال مصاحبه کننده ناقص و پرابهام و در تائید سوال مستفاد میگردد به این معنا که پادشاه از بعد از ۲۸ مرداد پادشاهی بود که بر طبق ادعای سوال کننده عمل میکرد با این توضیح که علیاحضرت اجبار و شرائط را سبب نادیده گرفتن قانون اساسی مشروطیت از سوی شاهنشاه دانسته اند!

نظربه اینکه عبارت «الان نمیخواهم وارد موضوع بشوم چون بحثی طولانی است» به معنای ناقص بودن شهادت است و نظربه اینکه **در نقص شهادت، شهادت از اعتبار خارج و ادعای مدعی نزدیک به**

ثبوت میگردد، لذا از علیاحضرت تقاضا دارم شهادت خودشان را تکمیل فرمایند و یا اگر نیازی به تکمیل شهادت خود نمی بینند موارد نادیده گرفتن قانون اساسی و دست‌آوردهای مشروطیت که در سوال مصاحبه کننده جاسازی شده و نه تنها تکذیب نشده که با گشوده شدن فصل اجبار تائید هم شده است، آن موارد را اعلام فرمایند تا اگر علیاحضرت بهر دلیل فرصت ورود به بحث در موضوع را نداشته باشد این ارادتمند آنرا متقبل و به تکلیف مشترک عمل نماید.

با احترام امیرفیض - حقوقدان